

# برای خانم عالیہ روحانی (مطہری)

10 اسفند 1401

**با جدایی بخشی از نسل جوان از انقلاب، جای شهید مطہری و فکر و سخنان او خالی است .**

وقتی ناگهان خبر فوت عزیز را می‌دهند، خاطرات و روزهایی که با او گذرانده‌ای، از جلوی چشمانت به سرعت عبور می‌کند و احساس دلتنگی فوراً فرا می‌گیرد، دوست داری به هر صورت ممکن خاطره‌اش را زنده کنی. اولین دیدار من با عالیہ خانم، به سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب باز می‌گردد. آشیخ اکبر را در دهه 1340 به زندان برده بودند و آیت‌الله مطہری به همراه همسرشان سری به ما زدند و باعث آشنایی اولیه شد. گویا در 14 سالگی با شهید مطہری ازدواج کرده بودند و در کمتر از 30 سالگی به نظرم هفت فرزند را که فاصله کمی با هم داشتند، اداره می‌کردند. من هم سه فرزند داشتم که فاصله یک‌ساله با هم داشتند. **شهید مطہری**، انسان وارسته و با دانشی بود که رابطه بسیار نزدیکی با آشیخ اکبر داشت. اهل رویای صادق بود. خانم مطہری می‌گفت که شب آخر زندگی ایشان، نیمه‌شب از خواب بلند شد. گریه می‌کرد و پا بر زمین می‌کوبید و می‌گفت، الان پیامبر را در خواب دیدم، ایشان به من گفت که فردا مهمان ما هستی. خود خانم مطہری هم خواب‌هایی می‌دید که شبیه به رویای صادق بوده و حتی بعد از شهادت آیت‌الله مطہری، بارها می‌گفتند که ایشان را در خواب می‌بینند و هدایت زندگی و بچه‌ها را از آن دنیا نیز دارند. هر دو در میانسالی و پیری به شوخی و جدی می‌گفتیم که اگر ما نبودیم، با این تعداد فرزند و مشکلات زندگی، موفقیت در اهداف، برای همسرانمان امکان‌پذیر نبود. متأسفانه در جمهوری اسلامی، نقش همسران شخصیت‌ها دیده نمی‌شود و جالب اینکه همیشه هزاران تعریف و تمجید از آیت‌الله مطہری می‌شد، بدون اینکه یک کلمه از تمام مشکلاتی که این خانم فرہیخته تحمل و فرزندان و خانواده را اداره می‌کرد و مواظب رشد همه‌جانبه فرزندان بود، گفته شود. متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب، آیت‌الله مطہری در میانسالی (حدود 59 سالگی) توسط گروه انحرافی فرقان که این روزها هم گروه‌هایی با همان افکار افراطی به صورت علنی دیده می‌شوند و مسموم کردن دختر مدرسه‌ای‌ها، می‌تواند از نمونه‌های آن باشد، شهید شدند .

هیچ‌گاه ندیدیم که خانم مطہری، علنی گله‌ای از مسوولان داشته باشد و می‌گفت که در دوره طاغوت به آیت‌الله مطہری تهمت‌هایی می‌زدند و خدا خواست که رسالت خود را این‌گونه به انجام برساند. امام هم گفت که مطہری پاره تن او بود و آثارش بدون استثناء خوب است که درباره هیچ شخص دیگری این سخن را نگفته بود.

خانم مطہری، با همه رنج‌هایی که کشید، همیشه به صورت شیرینی خاطرات و خواب‌های خود را تعریف می‌کردند حتی اگر بعضاً تکراری می‌گفتند، ولی آن قدر شیرین تعریف می‌کردند که حال حضار را خوب می‌کرد.

با نگاهی به خاطرات خود در سال‌های گذشته، یادم آمد که با خانم‌های شهید مطہری و شهید عراقی، از طرف انصار المجاہدین به صورت ناشناس به سرکشی چند صد خانواده‌های رزمندگان می‌رفتیم و در مسیر خانم مطہری از بعضی اظهارات دوستان شهید مطہری گله می‌کرد و برای شخصیت‌های انقلاب، از جمله **آیت‌الله هاشمی** سفارش امنیتی و حفاظتی زیادی داشت. من هم بعضی از گله‌های خود را به

علي آقا لاریجانی در مورد صداوسیما از طریق ایشان منتقل می‌کردم، هر چند که شنیدم وقتی که فرزند ایشان آقای علی مطهری و داماد ایشان آقای لاریجانی در انتخابات ردصلاحیت شدند، ایشان به بزرگ‌ترها گله‌جی کرده بود.

در هر صورت، خانم مومنه‌ای بود به‌طور احسن به وظایف زناشویی و خانوادگی و تربیت فرزندان عمل کرد و چیزی جز عمل صالح از او ندیدم. هر چند که در اوایل دوره احمدی‌نژاد، به دلیل مصاحبه یکی از فرزندان ایشان که براساس شایعات بود، کمی از هم دور افتادیم و بعد هم به دلیل کهولت سن و پیری، روابط رو به کاهش افتاد ولی روابط دوستانه خانوادگی خوشبختانه برقرار بود. موقعی که ایشان بیمار شد، بیمارستان رفت، متأسفانه من هم به دلیل پیری و عدم امکان حرکت، نتوانستم از او در بیمارستان عیادت کنم. از این نظر نیز حسرت می‌خورم و لذا با این قید کلمه ادای دین کردم.

اکنون با این فضای جامعه و جدایی بخشی مهمی از نسل جوان از انقلاب، بیشتر از گذشته جای شهید مطهری و فکر و سخنان او خالی است که با منطق و عقل به اسلام نگاه می‌کرد و به سعه صدر و آزادی بیان معتقد بود که همه گروه‌ها بتوانند، حرف خود را بزنند و با گفت‌وگو در جامعه فعالیت کنند، نه اینکه از خانواده شهید مطهری دو نفر ردصلاحیت شوند و از خانواده هاشمی دخترم در زندان باشد و خانواده شهید بهشتی، خانواده مرحوم منتظری و مرحوم طالقانی نیز سوابق تلخ برخورد را تحمل کرده باشند. اگر انقلاب می‌خواهد بماند باید به اهداف تفکر و برنامه رهبران خود وفادار باشد. همسر شهید مطهری در مظلومیت و فشار به نزدیکانش رفت، اما باید قدر فرصت باقیمانده را دانست و انقلاب را به اهداف خود برگرداند، مسیری که مردم می‌خواستند و از آن آزادی و تأمین دین و دنیای آنان انتظار می‌رفت.

\* عفت مرعشی / همسر مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی

اعتماد: 5438